

چگونگی ساخت و کاربست تصاویر سیاقی در قرآن

آزاده عباسی*

چکیده

تصویر آفرینی، شیوه‌ای بلاغی و هنرمندانه برای بیان مطالب است که در متون گوناگون از آن استفاده می‌شود. آفرینش هنری یکی از شیوه‌های تأثیرگذار در انتقال مطالب بشمار می‌آید. عمده پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه عمدتاً به تصاویر مفرد و چگونگی ساخت آن منحصر شده و این در حالی است که به نظر می‌رسد این امکان وجود دارد که تصاویر مفرد ارتقاء یابند و از برساخت چند تصویر مفرد کنار هم یک تصویر سیاقی و کلان به وجود آید. در این پژوهش کوشش بر آن بوده که به این سؤالات پاسخ داده شود که تصاویر سیاقی در قرآن چگونه ساخته می‌شوند و تصاویر برساخته در انتقال مفاهیم چه تأثیری دارند؟ بررسی نمونه‌های مختلف نشان می‌دهد که سه گونه ساخت برای تصاویر سیاقی در قرآن محتمل است: تصاویر برساخته در یک آیه، تصاویر برساخته در چند آیه متوالی و تصاویر برساخته در چند آیه غیر متوالی. در این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، جوانب گوناگون ساخت تصاویر سیاقی در قرآن مورد مطالعه قرار گرفته است. نخست تصویر موجود در هر یک از هم‌بافت‌ها بررسی شده و سپس با تکیه بر تحلیل داده‌ها این کوشش انجام شده است که مشخص شود از کنار هم قرار گرفتن دو یا چند تصویر مفرد چگونه یک تصویر سیاقی کلان ساخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تصویر آفرینی، تصویر مفرد، تصویر سیاقی، تصویر بافتی

* استادیار گروه قرآن دانشگاه قرآن و حدیث، abbasi.a@qhu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

۱. بیان مسئله

از جمله مباحث روزآمد در مطالعات قرآنی به‌ویژه اعجاز بیانی، اسلوب بلاغی تصویرآفرینی هنری در قرآن است. تصویرآفرینی در اصطلاح به معنای به کار گرفتن سخن به شیوه‌ای خاص است که در آن معانی و مفاهیم به روشی ابتکاری تجسم می‌یابند و حتی به صورتی جلوه می‌کنند که گویی خواننده آن‌ها را می‌بیند. در این‌گونه موارد، کلمه از قالب تنگ خود خارج شده و به عالمی زنده و پویا قدم می‌گذارد (یأسوف؛ ۲۰۰۶/ ۸۰).

نگاه ژرف‌اندیشانه سید قطب پیرامون تصاویر در قرآن کریم، دریچه‌های نویی را برای همگان گشود؛ مطابق با چشم‌انداز کلی سید قطب، قرآن برای بیان مطالب خود از شیوه تصویر آفرینی هنری بهره می‌برد و استفاده از این شیوه در چگونگی انتقال معانی و همچنین بر میزان فهم مخاطب تأثیرگذار است. در این راستا باید به این نکته توجه داشت که تصویرآفرینی در قرآن کریم یک اسلوب تفننی و محدود نیست که به‌طور جسته‌وگریخته و تصادفی در چند جای قرآن به‌کاررفته باشد، بلکه این شیوه، یک قانون کلی و یک روش شایع در قرآن به‌شمار می‌آید تا جایی که به اعتقاد برخی از محققان از نظر کمی سه‌چهارم قرآن را دربرمی‌گیرد (قطب، ۱۴۱۵، ۳۴). زبان تصویر در قرآن از آنجا اهمیت می‌یابد که با همه‌ی وجود انسان یعنی عقل، حس و وجدان او سخن گفته (یأسوف، ۱۴۲۷، ۶۶) و به درک فحوای آیات یاری می‌رساند.

شایان توجه است که تصاویر قرآنی، تنها برای زینت بخشیدن به کلام به کار نرفته‌اند؛ بلکه گاه مضمون یک امر و حقیقت آن، جز با آفرینش تصویر نمود پیدا نمی‌کند و به همین دلیل است که می‌توان آن را مناسب‌ترین روش در آشکار نمودن مقصود و تأثیرگذاری بر مخاطب دانست (عبدالعال، ۱۴۱۰، ۱۱۲). این تأثیر زمانی مضاعف می‌شود که تصاویر قرآنی با فطریات و بدیهات هماهنگ باشد. قرآن کریم برای آنکه به هدف خود دست یابد از یک منطق کمک می‌گیرد و آن هم منطق وجدانی است. منظور از منطق وجدانی آن است که قرآن نهاد آدمی را مورد هدف قرار می‌دهد و ذهن خوابیده‌ی او را بیدار می‌سازد. قرآن در مسیر مخاطب قرار دادن ذهن افراد و بیدارکردن بصیرت آنان گام برداشته و در تمامی ذهن آدمی قدم می‌گذارد و در این مسیر بسیاری از امور را به‌گونه‌ای مطرح می‌کند که مورد پذیرش، توسط تمامی افراد بشر در همه‌ی زمانها و مکانها باشد. بحث در خصوص تصاویر قرآنی و ارتباط آن با منطق وجدانی و به تبع آن، تحت تأثیر قرار دادن آحاد بشر، بسیار درازدامن است و در این مجال نمی‌گنجد (رک: قطب، ۱۴۱۵؛ ۱۳۳).

در زبان تصویر آفرینی برای خلق تصاویر از شیوه‌ها و اسلوب‌های گوناگونی استفاده می‌شود. این اسلوب‌ها گاه در محدوده لغات و روابط بین واژگانی بوده و گاه از صنایع بلاغی بهره می‌گیرد (قطب، ۱۴۱۵، ۱۵). تصویر ساخته شده به مدد این اسلوب‌ها، تصویری مفرد و جزئی است؛ بررسی عمده پژوهش‌های بلاغی از زمان جرجانی (قرن ۵) تا کنون نشان می‌دهد که نگاه و اندیشه‌ی رایج در مورد ساخت تصاویر به ساخت تصاویر مفرد محدود بوده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد یک تصویر می‌تواند در خود خرد شده و به تکه‌ها و قطعاتی تبدیل شود که مخاطب نیاز به بر ساخت این قطعات و بازسازی فرآیند معنایی آن دارد (شعیری، ۱۳۹۳، ص ۷). به دیگر سخن، تصاویر بزرگتری وجود دارند که از چند تصویر کوچک تشکیل شده‌اند و مفهومی کلان‌تر را ترسیم می‌کنند. توجه به مسئله تصاویر ارتقاء یافته از آن جهت حائز اهمیت است که بی‌توجهی به مسئله سیاق یا روابط موجود میان تصاویر مفرد، موجب کاهش ارزش تصویر می‌شود و انتقال مفاهیم را با چالشی جدی مواجه می‌سازد. بیان دیگر این سخن آنست که توجه به تصاویر ارتقاء یافته، میزان درک فحوای آیات را بالا می‌برد.

از سویی دیگر باید توجه داشت که در فهم آیات قرآنی نکته‌ی بسیار مهمی وجود دارد و آنهم مسئله‌ی سیاق آیات است. در مجموع قرائن و نشانه‌هایی که در معنادگی به واژگان و الفاظ مورد نظر، تاثیرگذار باشد را سیاق می‌گویند؛ اعم از آنکه این نشانه‌ها لفظی باشند یا برگرفته از حالات و ظروف و مناسبات زمانی و مکانی گوینده! (کوثر، ۱۳۹۲؛ ۱۸)

حال با نیم‌نگاهی به اهمیت روابط بینامتنی و نیز باتوجه به جایگاه سیاق در فهم آیات قرآن، این سؤال مطرح می‌شود که تصاویر سیاقی یا تصاویر ارتقاء یافته در قرآن چگونه ساخته می‌شوند؟ کاربست تصاویر سیاقی در قرآن چگونه است؟

پرداختن به پیشینه این پژوهش بحثی طولانی است؛ به اختصار اینکه محققان علوم قرآنی در این باره تردید ندارند که پردازنده‌ی اصلی نظریه آفرینش هنری (التصویر الفنی) سید قطب است که نخستین بار در سال ۱۹۳۹ مقاله‌ای با عنوان «التصویر الفنی فی القرآن الکریم» در مجله «المقتطف» چاپ کرد (قطب، ص ۷ به بعد) همو در سال ۱۹۴۵ کتاب ارزشمند «التصویر الفنی» که در واقع مربوط به وجوه زیباشناختی قرآن بود را به مجامع علمی عرضه کرد. سید قطب ۲ سال بعد با همین رویکرد کتاب «مشاهد القیامه فی القرآن» را به چاپ رسانید. البته لازم به ذکر است که او در تفسیر «فی ظلال القرآن» نیز همین رویافت را پی گرفته است. بعد از سید قطب دیگرانی مثل «عبدالفتاح الخالدی» در کتاب «نظریه التصویر

الفنی عند سید قطب» به تحلیل و نقد دیدگاه های او پرداختند. کتابهایی مثل «من جمالیات التصوير فی القرآن» نوشته «محمد قطب عبدالعال» و نیز «من بلاغۃ التصوير بالحركة فی القرآن الکریم» نوشته «یوسف بن عبدالله الانصاری» و همچنین کتاب «التصویر الجمالی فی القرآن الکریم» تالیف «عبد سعد یونس» از همین مقوله اند. در زمینه تالیفات فارسی می توان به مجموعه تلاشهای ارزشمند آقای حمید محمد قاسمی و نیز خانم آزاده عباسی اشاره کرد. در سالهای اخیر علاوه بر پایان نامه ها، مقالات متعددی هم چه به زبان عربی و چه به زبان فارسی در این خصوص تالیف شده است. برای نمونه می توان به مقاله «جلوه های تصویرگری در قرآن کریم» از محبوبه اصغرپور در شماره ۲۰۸ مجله گلستان قرآن و یا مقاله «تصویرآفرینی منجسم و یکپارچه در دعای هفتم صحیفه» در مجله پژوهش های قرآن و حدیث از آزاده عباسی و یا مقاله «کارکرد تصویرهنری در آیات جزء سی ام قرآن» نوشته حسنعلی شربتدار در مجله مطالعات متون اسلامی، اشاره کرد. مجموعه مقالات تالیف شده در این زمینه اگرچه پربسامد هستند اما در یادکرد از سابقه پژوهش توجه به یک نکته ضروری است؛ به نظر می رسد پژوهش های انجام شده در این زمینه عمدتاً به تصاویر مفرد و نحوه ساخت آنها با رویکرد بلاغی و فقط در یک آیه پرداخته و جنبه های گوناگون آن را به چالش کشیده اند. بررسی چگونگی ساخت تصاویر سیاقی در قرآن و چگونگی ساخت یک تصویر از کنار هم قرار گرفتن چند آیه و نیز میزان تأثیرگذاری آن در فهم مخاطب در این پژوهش دنبال می شود و زمینه های جدیدی را برای اندیشه ورزی می گشاید.

۲. «مباحث نظری»

قبل از ورود به بررسی و تحلیل چگونگی ساخت تصاویر سیاقی، ذکر دو دسته از مباحث نظری ضروری است. نخست چگونگی اسلوب های ساخت تصاویر بصورت کلی و سپس تبیین معنایی واژه سیاق که در ادامه ذکر خواهد شد:

۱.۲ اسلوب های ساخت تصویر

زبان به مثابه یک پیکر زنده است و واژگان سلول های این پیکرند. هر واژه ای تا زمانی که در میان کتاب های لغت باشد بی روح است اما وقتی در عبارتی بکار گرفته می شود گویی به آن جان بخشیده شده و حیات می یابد. هر واژه اگر در جای مناسب خود قرار بگیرد می تواند

نقش آفرین بوده و حیات و پویایی را به مخاطب منتقل کند. کلمات گاه می‌توانند انواعی از حالات را به مخاطب منتقل کنند که حتی بهترین فیلم‌ها از انتقال آن عاجز هستند. می‌توان گفت که واژگان در به تصویر کشیدن مطالب دارای درجات متفاوتی هستند (عباسی؛ ۱۳۹۳/۱۳۰)^۱ لازم به ذکر است که کلمات گاه به‌تنهایی تصویری بدیع را ترسیم می‌کنند و گاه در ترکیب با سایر کلمات عباراتی را می‌سازند که بیان‌کننده تصاویری زنده و پویا هستند.

در قرآن کریم، می‌توان واژگانی را یافت که هرکدام به‌وضوح صحنه‌ی نمایش زنده‌ای را به تصویر می‌کشند و پهنای وسیعی از معانی را در برابر خواننده قرار می‌دهند. نمونه‌ای از این کلمات و ترکیبات در بسیاری از آیات دیده می‌شود.

در قرآن تصاویر به صور مختلف و به شیوه‌های گوناگون ترسیم شده است. تصاویر زنده و متحرکی که گویی خواننده هر لحظه خود را در مقابل تابلویی زیبا می‌بیند. بعد از کلمات و واژگان در شیوه‌های تصویر آفرینی، نوبت به استفاده از صنایع بلاغی همچون «تشبیه»، «تمثیل»، «کنایه» و «استعاره» می‌رسد. در این راستا می‌توان از سایر صنایع ادبی همچون «تشخیص» و «تجسیم» و... نیز یاد کرد. ساخت تصاویر هنری در قرآن به صنایع ادبی و زیبایی‌های لفظی و آرایش کلامی محدود نمی‌شود بلکه از شیوه‌های متنوعی در خلق تصاویر استفاده شده است. این اسلوب‌ها گاه در محدوده لغات است و گاه از صنایع بلاغی مدد می‌گیرد.^۲

۲.۲ تعریف سیاق

یکی از راه‌های رسیدن به فهم کلام، سیاق است. این بحث بیش‌ترین ارتباط را با بحث تقطیع فرازهای قرآنی دارد؛ زیرا سیاق در علم اصول از دلالت‌های مهم و قراین حالی فهم کلام است و در صورت تقطیع، به کمک سیاق، ارتباط میان کلام مشخص می‌شود. در اینصورت منظور از سیاق، هر چیزی است که ما از لفظ به کمک دلالت‌های دیگر استنباط می‌کنیم. معمولاً استفاده از سیاق ارتباط تنگاتنگی با نظم و تسلسل آیات و صدر و ذیل کلام دارد (ایازی؛ ۱۳۸۰؛ ص ۶۳).

سیاق، در لغت عرب از ماده «سوق» است که به معنای جلب و طرد شتر است (راغب اصفهانی، ماده سوق) و برخی واژه‌شناسان آن را به معنای برانگیختن بر حرکت از طرف پشت دانسته‌اند (مصطفوی؛ بی تا، ۲۷۱/۵) که گاهی سوق ظاهری است؛ مثل آیه «فُتِّیرُ

سَحَابًا فَسُقْنَهُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ» (فاطر/۹) و گاهی سوق معنوی می باشد مثل: «إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ» (القیامه/۳۰) است. در فارسی، سیاق به معنای «راندن، اسلوب، روش و...» می آید و «سیاق کلام» به معنای اسلوب سخن و طرز جمله بندی است. تعاریف متعددی در مورد سیاق ذکر شده است؛ از جمله: شهید صدر می نویسد:

و نرید بالسیاق کل ما یکتنف اللفظ الذی نرید فهمه، من دوال اخری، سواء کانت لفظیه کالکلمات التی تشکل مع اللفظ الذی نرید فهمه کلاماً واحداً مترابطاً، او حالیه کالظروف و الملاسیبات التی تحیط بالكلام و تكون ذات دلالة فی الموضوع. (صدر؛ ۱۴۰۵؛ ۱۰۳).

گروهی هم سیاق را این گونه نیز تعریف کرده است: «و نقصد بالسیاق الجوَّ العام الذی یحیط بالکلمة و ما یکتنفها من قرائن و علامات». (الحسینی؛ ۱۹۸۸؛ ۱۲۵) در این صورت مقصود ما از سیاق، جوّ عمومی حاکم بر متن است و قرائن و علامت هایی که به کلمه پیوند خورده است؛ و برخی دیگر نوشته اند: «معمولاً در گفت و شنودهای متعارف و در نوشتجات متعارف، قرائن صدر و ذیل عبارت، معنای خاصی به جمله می دهد و منظور را محدود می کند و این معنا در اصطلاح معمولی سیاق و مساق خوانده می شود» (نجمی، ۱۳۸۷؛ ص ۵۱) گروهی از پژوهشگران قرآنی، سیاق را این گونه تعریف کرده اند: «سیاق، نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارت و یا سخن است که بر اثر همراه بودن آنها با کلمه ها و جمله های دیگر به وجود می آید». به عنوان مثال، جمله: «أذهب الی البحر» هنگامی که همراه با جمله «واستمع حدیثه باهتمام» گفته شود، دارای ویژگی و خصوصیتی است که اگر به تنهایی گفته شود فاقد آن است، به همین دلیل، هرگاه جمله اول همراه با جمله دوم باشد، گویای آن است که «به نزد مرد دانشمند برو» و وقتی تنها باشد معنای ظاهر آن این است که «به سوی دریا برو» (رضایی اصفهانی؛ ۱۳۸۷؛ ص ۴۱۸)

در حوزه مطالعات اسلامی کتاب های تفسیری و اصولی از نخستین آثاری هستند که اصطلاح سیاق در آنها آمده است. (رک: الشافعی، بی تا/ص ۵۸) سیاق در عرف مفسران بر کلامی اطلاق می شود که مخرج واحد داشته باشد و در بردارنده یک هدف یعنی مراد اصلی گوینده است و اجزای آن در یک نظام واحد نظم یافته است؛ و چنانکه اصولیون می گویند منظور از سیاق هرگونه دلیلی است که به الفاظ و عباراتی که می خواهیم آن را بفهمیم، پیوند خورده است (صدر ۱۳۷۹، ۱/۱۷۵). بدین ترتیب کلمات دیگری مثل موقعیت و مقتضای حال و تألیف نیز بر سیاق دلالت می کنند.

نکته‌ی قابل ذکر اینکه در مطالعات روزآمد، بافت را «محیط و قرائن کلام» تعریف می‌کنند (البعلبکی، ۱۹۹۰ م، ص ۱۱۹). برخی آن را «رابطه ساخت کلی متن با هریک از اجزای آن» تعریف کرده‌اند (الخولی، ۱۹۹۱ م، ص ۵۷ و بن ذریل، ۱۹۸۱ م، ص ۱۶۰). کلمه «بافت» مراحل پیچیده‌ای را پشت سر گذارده تا به معنای امروزی که می‌شناسیم رسیده است. آنچه امروزه در میان زبان‌شناسان به‌عنوان بافت (context) شناخته می‌شود عبارت از محیط، متن، حالات و شرایطی است که در آن به بیان کلام اقدام گردیده است و بررسی جوانب آن در شناخت بهتر متن تأثیرگذار است. (مالینوفسکی؛ فرث؛ هرورد و هیزلی؛ شیفرین از جمله زبان‌شناسانی هستند که در زمینه‌ی بافت تعاریفی ارائه کرده‌اند؛ پرداختن به هر یک از آن‌ها در دامنه این پژوهش نیست). چنانکه ملاحظه می‌شود تفاوت اندکی بین معنای بافت و سیاق وجود دارد؛ اما آنچه در این پژوهش مورد نظر است مفهوم سیاق به معنای عام است؛ بنابراین در این پژوهش سیاق عبارت است از: «خصوصیت و فضای معنایی که از قرار گرفتن کلمات و جملات در کنار هم حاصل می‌شود که در معنای واژه یا عبارت تأثیر می‌گذارد». به عبارت دیگر در سخنی گزیده می‌توان گفت در این پژوهش منظور از سیاق، زمینه زبانی، محیطی، زمانی و مکانی است که متن در آن زاییده، رشد کرده در آن فهمیده می‌شود؛ (الهیان، ۱۳۹۱، ص ۳۵)

لازم به ذکر است که منظور از «هم‌بافت» بخش‌های کوچکی هستند که در هم‌نشینی باهم یک سیاق کلی را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان عضو رابط میان تصاویر مفرد برای ساخت تصاویر سیاقی نقش اصلی را بر عهده دارد.

۳. تصاویر سیاقی

چنانکه پیش‌تر بیان شد تصویر مفرد تصویری است که در یک قاب ترسیم‌شده و در آن از طرح زوایای مختلف یک تصویر خبری نیست. برای خلق تصاویر مفرد معمولاً به اسلوب‌های بلاغی و نوع کارکرد کلمات و حروف تکیه می‌شود.

تصاویر سیاقی فراگیرتر از تصاویر مفرد و دربردارنده یک تصویری کلی هستند که دو یا چند تصویر مفرد در آن قرار دارند. به عبارت دیگر تصاویر مفرد به‌نوبه خود در تعامل با سیاق برای شکل‌گیری تصویر نهایی نقش‌آفرینی می‌کنند. تصاویر مفرد یا جزئی در سیاق رشد و بالندگی می‌یابند و یک تصویر مرکزی و کلی را خلق می‌کنند. به‌طور خلاصه تصویر سیاقی یک تصویر مفرد رشد یافته است (احمد الراغب، ۱۴۲۲، ص ۷۹). شایان توجه است

منظور از تصویر رشد یافته؛ تصویری است که از برهم ساختن چند تصویر جزئی حاصل می‌شود. کنار هم قرار گرفتن تصاویر مفرد، نیازمند به وجه مشترکی است. همان‌طور که در ساخت تصاویر مفرد اسلوب‌های زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرند (رک: عباسی؛ ۱۳۹۳؛ ص ۶۳-۱۵۰) قرار گرفتن تصاویر جزئی و مفرد کنار هم و ساخت تصویری بزرگ‌تر نیز می‌تواند دارای اسلوب‌های متفاوتی باشد. گاه یک حرف، گاه یک کلمه و حتی یک ضمیر به‌عنوان جانشین اسم می‌تواند به‌عنوان وجه مشترک تمام این تصاویر جزئی لحاظ شود.

۱.۳ چگونگی ساخت تصاویر سیاقی در قرآن

در قرآن تصویر در حقیقت ابزار بیان و تأثیر است. به دیگر سخن، قرآن کریم از آفرینش تصاویر به‌عنوان ابزاری برای بیان حقایق دینی بهره می‌برد. تصاویر قرآنی به دو نوع تقسیم می‌شوند: تصویر مفرد و تصویر سیاقی؛ مراد از تصویر مفرد همان تصاویر بلاغی معروف است که با تکیه بر اسلوب‌های بلاغی ساخته می‌شوند؛ اما تصاویر سیاقی فراگیرتر بوده و ساخت آن‌ها به شیوه‌های بلاغی منحصر نیست (احمد الراغب، ۱۴۲۲، ص ۴۹). برای کشف دقیق تصاویر سیاقی در گام نخست باید تصاویر مفرد شناسایی شده و سپس با کشف روابط میان این تصاویر مفرد، رشد و بالندگی تصاویر در آستانه شناسایی و درک قرار گیرند. تصاویر سیاقی به دلیل قدرت بالای بیان در میزان تأثیرگذاری کارکرد ویژه‌ای دارند.

۱.۱.۳ تصاویر سیاقی بر ساخته در یک آیه

در برخی از آیات قرآن کریم چند تصویر هم‌زمان وجود دارد که از کنار هم قرار گرفتن آن‌ها یک تصویر واحد سیاقی ساخته می‌شود؛ چنانکه قبلاً نیز بیان شد هم‌بافت‌ها در حقیقت واحدها یا تصاویر مفرد کوچکی هستند که در هم‌نشینی باهم یک تصویر کلی و بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهند. هر جمله به جمله ماقبل و مابعد خود متصل است و در عین مستقل بودن به‌وسیله مفهوم عبارت هم‌بافت خود به‌صورت کامل درک می‌شود (مختاری ۱۳۷۷/ ۶۴ و ۶۵).

برای نمونه می‌توان تصاویر موجود در آیه

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ (محمد/۱۵)

را بررسی کرد.

تصاویر متقابل یکی از تأثیرگذارترین تصاویر قرآنی بشمار می‌روند (باطاهر، ۱۴۲۰، ص ۲۳۵؛ احمد الراغب، ۱۴۲۲، ص ۸۹). این آیه بیان‌کننده تصاویری از سرنوشت دو گروه مؤمن و کافر است که یکی دارای اعمال صالح و دیگری اعمال زشت و ننگین است. در این آیه بجهت تأثیرگذاری عمیق از نوع تصاویر متقابل نیز بهره جسته و هم‌زمان وقتی نهرهای بهشتی به تصویر کشیده می‌شوند از نوشیدنی‌های اهل جهنم نیز سخن به میان می‌آید. بیان تصاویر در این آیه قالب مثالی دارد: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ» که بحث در مورد حقیقی یا مجازی بودن این تصاویر خارج از این مجال است (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۳۲/۱۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، مجمع‌البیان ۱۵۲/۹).

بخش اول این آیه از ۵ تصویر مفرد و جزئی تشکیل شده است:

۱. «فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ» - یعنی آبی که با زیاد ماندنش بو و طعم خود را از دست نمی‌دهد (معمر بن مثنی، ۱۳۸۱ ق، ۲/۲۱۵).
۲. «وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ» نهرهایی از شیر که مانند شیر دنیا طعمش تغییر نمی‌کند. نه رنگ آن تغییر می‌کند و نه بوی آن (مغنیه، ۱۴۲۴، ۶۹/۷).
۳. «وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ» یعنی نهرهایی از خمر که برای نوشندگان لذت بخش است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۷/۲۸۹).
۴. «وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى» یعنی عسل خالص و بدون موم و لرد و خاشاک و سایر چیزهایی که در عسل دنیا هست و آن را فاسد و معیوب می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ۶۰/۲۱).
۵. «وَأَلْهَمٌ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» و از هر نوع میوه‌ای چه آن را بشناسند و چه نشناسند خالی از عیب‌هایی که میوه‌های دنیا دارد به آنان می‌دهند (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۱۱۴/۵).

تکرار واژه «أنهار» در این آیه اگرچه بر سبیل اطناب بوده (حسینی، ۱۳۸۶، اسالیب المعانی، ص ۵۲۰) و به جهت تأکید به کار رفته است (زرکشی، ۱۹۷۱، ۱۱۵/۳) اما می‌توان از آن به عنوان وجه مشترک تصاویر جزئی اولیه یاد کرد. چنانکه بیشتر بیان شد وجود یک واژه مشترک در تصاویر جزئی و کوچک به‌عنوان هم‌بافت و تکرار آن در تمامی تصاویر کوچک‌تر، یکی از اسلوب‌های ساخت تصویر سیاقی و رشد یافته است. در اینجا واژه «أنهار» وجه مشترکی است که تصاویر کلی را به هم مربوط ساخته و در نهایت در برساختن تصویری جدید نقش‌آفرینی می‌کند.

علاوه بر تکرار واژه «الانهار»، ۵ هم‌بافت اولیه در این آیه ویژگی‌های مشترکی دارند: اولین ویژگی مشترک این تصاویر آن است که همگی به اعتبار عبارت «مثل...» با تکیه بر اسلوب مهم تشبیه ساخته شده‌اند (در مورد معانی گوناگون واژه مثل رک: نحاس ۱۴۲۱، ۱۲۱/۴). ویژگی مشترک دوم میان این ۵ تصویر جزئی از بخش اول آن است که همه این نعم با آنچه در دنیا وجود دارد متفاوت است و این تفاوت‌ها در راستای جاودانگی مطرح شده‌اند. باید توجه داشت که ویژگی‌های مشترک در ساخت تصویر سیاقی متشکل از تصاویر جزئی تأثیرگذارند.

در بخش دوم نیز دو تصویر جزئی وجود دارد: ۱- «وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا» ۲- «فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ»

در مجموع در این آیه ۶ تصویر مفرد و جزئی وجود دارد که در کنار هم یک تصویر کلی را تشکیل می‌دهند.

نمونه‌های دیگری از تصاویر سیاقی بر ساخته در یک آیه نیز در قرآن یافت می‌شود. داستان‌های انبیاء الهی معمولاً از نوع تصاویر سیاقی هستند و در یک نگاه جامع می‌توان آن‌ها را در زمره تصاویر کلان و مرکزی شناخت. در عین حال هر یک از هم‌بافت‌ها می‌تواند خود دارای تصویری سیاقی باشد. برای نمونه در آیه «وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِنُغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أُصَابِعُهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا» (نوح/۷) یک تصویر سیاقی پیچیده و توپرتو وجود دارد.

نوح در ادامه رسالت و مأموریت خود برای دعوت قومش، هنگامی که به پیشگاه پروردگار شکایت می‌برد، سخنانی را بیان می‌کند که بخشی از آن در این آیه نقل شده است. او چنین عرضه می‌دارد که: «و من هر زمان آن‌ها را دعوت کردم که (ایمان بیاورند و) تو آن‌ها را بیمارزی، انگشتان خویش را در گوش‌هایشان قرار داده و لباس‌هایشان را بر خود پیچیدند و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند» در این آیه ۳ تصویر هم‌بافت وجود دارد که در نگاه کلان یک تصویر سیاقی واحد را تشکیل می‌دهند.

در تصویر اول نوح را نشان می‌دهد که مشغول دعا به درگاه ربوبی است: «وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِنُغْفِرَ لَهُمْ»

تصویر دوم از قول نوح بیان می‌شود که در وصف مردمان زمانش می‌گوید: «جَعَلُوا أُصَابِعُهُمْ فِي آذَانِهِمْ» معنای این فقره مبارکه از آیه این نیست که حقیقتاً آن‌ها انگشت در گوش خود کردند، بلکه این تعبیر کنایه است از اینکه از شنیدن دعوت نوح استنکاف

ورزیدند (طباطبایی ۱۴۱۷، ۲۹/۲۰). کنایه یکی از اسلوب‌های ساخت تصاویر مفرد است (عباسی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۸) که در هم‌بافت اخیر نیز به‌کاررفته است. به دیگر سخن، قرار دادن انگشتان در گوش‌ها خود تصویری واحد است که با استفاده از صنعت بلاغی کنایه ساخته‌شده و این تصویر بلاغی مفرد به همراه سایر هم‌بافت‌های خود تصویری سیاقی و برساخته را ترسیم می‌کند.

و در تصویر دوم همان افراد تصویر قبل ترسیم می‌شوند درحالی‌که جامه به سر کشیده‌اند: «وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ» این تعبیر نیز کنایه است از تنفر آنان و پرهیزشان از گوش نبوشیدن به سخن نوح! (طباطبایی ۱۴۱۷، ۲۹/۲۰؛ طنطاوی، بی تا ۱۱۵/۱۵)

وجه مشترک میان این تصاویر که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد ضمیر «هم» است؛ یعنی در تصویر نهایی برساخته از این دو تصویر مفرد، افراد واحدی دیده می‌شوند که انگشت در گوش‌ها می‌گذاشتند تا مبدا صدای حق را بشنوند (رازی، ۱۴۲۰، ۶۵۱/۳۰) و در همان حال، لباس بر خویشتن می‌پیچیدند تا پشتوانه‌ای برای انگشتان فروکردن در گوش باشد تا کمترین صدایی را نیز نشنوند! و یا می‌خواستند صورت خود را بپوشانند مبدا چشمانشان نوح را ببیند!

این دو تصویر باهم بافت بعدی تکمیل می‌گردد و تصویر سیاقی نهایی به اوج خود می‌رسد که «وَاصْرُوا» یعنی آن‌ها اصرار داشتند هم گوش از شنیدن بازماند و هم چشم از دیدن! (زمخشری، ۱۴۰۷، ۶۱۶/۴)

نمونه‌ای دیگر از تصاویر سیاقی برساخته در یک آیه، تصویر سیاقی متشکل از دو تصویر مجزا است که در آیه ۱۶ سوره زمر دیده می‌شود: «لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ»

بخش معظمی از تصاویر آفرینی‌های قرآنی به تصاویری اختصاص دارد که در آن‌ها معاد به تصویر کشیده شده است. (قطب، ۲۰۰۷ م، ص ۱۰) در تصویر قرآنی این آیه، جهنم به‌عنوان سرزمینی ترسیم می‌شود که دودی غلیظ و سیاه‌رنگ و داغ (احمد الراغب ۱۴۲۲، ۲۵۵/۱؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳۴/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ۵/۲۶۸) آن را فراگرفته است (مغیبه ۱۴۲۴، ۴۵۱/۶). شدت فراگیر بودن دود در این آیه با دو تصویر مجزای هم‌بافت نشان داده‌شده که در ترکیب باهم یک تصویر سیاقی پیشرفته را مقابل دیدگان افراد قرار می‌دهند: تصویر اول شمول دود و آتش برای همگان از بالای سر را نمایش می‌دهد: «لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ»

و در تصویر دوم شمول دود و آتش برای همگان از پایین پا ترسیم می‌گردد: «وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ».

وجه مشترک میان تصاویر موجود که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد کلمه «ظلل» است؛ این واژه جمع «ظله» و در معنای دود سیاه و غلیظ بکار می‌رود (طریحی ۱۳۷۵، ۵/۴۱۶) بدین ترتیب تصویر سیاقی موجود ساتری از آتش در بالای سر و ساتری دیگر در زیر پا را ترسیم می‌کند و این نشان‌دهنده آن است که آتش از همه جهات به ایشان احاطه دارد (طباطبایی ۱۴۱۷، ۱۷/۲۴۹).

نمونه‌های دیگری از آیات هستند که در یک آیه چند تصویر مجزا دیده می‌شود که در نهایت یک تصویر سیاقی را تشکیل می‌دهند؛ پرداختن به همه آن‌ها بحث درازدامنی است که در این مجال نمی‌گنجد (رک: اسرا/ ۲۹؛ بقره/ ۲۶۴؛ نحل/ ۷۷؛ کهف/ ۴۵؛ آل عمران/ ۱۰۳؛ طه/ ۵۳ و...).

۲.۱.۳ تصاویر سیاقی بر ساخته در چند آیه متوالی

چنانکه بیان شد سیاق عبارت است از «رابطه ساخت کلی متن با هریک از اجزای آن»؛ گاه اجزای تشکیل‌دهنده یک متن، چند آیه متوالی هستند که از توالی آن‌ها مفهومی واحد به دست می‌آید. در ساخت تصاویر سیاقی همین وضعیت وجود دارد با این شرط که در همه‌ی هم‌بافت‌ها تصویر وجود داشته باشد و همچنین میان هم‌بافت وجه مشترکی به‌عنوان نقطه اتصال تصاویر به هم دیده شود.

برای نمونه می‌توان به آیات سوره فیل پرداخت. قرآن صحنه در هم کوبیده شدن فیل سواران مغرور را در قالب تصویری کوتاه و زنده به تصویر می‌کشد. این تصاویری مفرد، متحرک و پویا، در چند آیه متوالی کنار هم تصویری یکپارچه و سیاقی را ترسیم می‌کنند: «وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ * تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ * فَجَعَلَهُمْ كَصَفِّ مَأْكُولٍ» (فیل / ۲-۴) همان‌گونه که حیوانات گاهی را جویده و فضله نموده سپس خشکیده و از هم می‌پاشند، قرآن نیز قطعه‌قطعه شدن بندها و اعضاء و جوارح پیل سواران را به دنبال اصابت هر یک از آن سنگ‌ریزه‌ها به بدنشان، به پراکنده شدن اجزای آن تشبیه کرده است (تشبیه مرسل؛ رک: ديب البغا و مستو، ۱۴۱۸، ص ۳۰۰؛ طبرسی، ۵/۵۴۲).

در این تصویر سیاقی ۳ تصویر مفرد و مجزا وجود دارد:

۱. «وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ» در این آیه کلمه «طیر» به معنای پرنده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۷/۴۴۷) و نکره بودن آن افاده تحقیر می‌کند و چه بسا کوچک‌ترین پرنده‌هایی مورد نظر است که خداوند آن‌ها را خلق کرده است (رازی ۱۴۲۰، ۳۲/۲۹۱).

برخلاف تلقی مشهور که ابابیل نام پرنده‌ای دانسته شده این واژه چنانکه اهل لغت می‌گویند به معنای جماعت متفرق و پراکنده است (طریحی، ۱۳۷۵، ش، ۵/۳۰۴). مفسرین نیز همین معنا را برگزیده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، مجمع‌البیان ۸۲۱/۱۰ و قطب، ۱۴۱۲، ۶/۳۹۸۰). ابو حیان اندلسی با ذکر چند بیت شعر از آعشی و دیگران تصریح دارد که واژه ابابیل جماعت متفرقی است که یکی پس از دیگری می‌آیند (اندلسی ۱۴۲۰، ۱۰/۵۴۴). لازم به ذکر است که در این عبارت «طیراً» مفعول به و «ابابیل» صفت آن است (دعاس، حمیدان، ۱۴۲۵، ۳/۴۲۹). لذا جمله به جماعت متفرقی از پرندگان اشاره دارد.

کاربست واژگان و گزینش دقیق کلمات یکی از اسالیب ساخت تصاویر مفرد به شمار می‌رود (نک: عباسی، ۱۳۹۳؛ ۱۳۷؛ ۱۴۹). در این آیه نیز دو کلمه «طیر» و «ابابیل» و ترکیب این دو باهم تصویر مفردی را می‌سازد که با توجه به فعل «أرسل» در آن حرکت و پویایی نیز دیده می‌شود. به دیگر سخن در این آیه پرندگانی ترسیم شده‌اند که گروه‌گروه بر سر اصحاب فیل (سپاه ابرهه) فرود می‌آیند.

آیه بعدی که یکی از هم‌بافت‌های این تصویر برساخته بشمار می‌رود، کارکرد پرندگان را ترسیم می‌کند: «تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ» در این تصویر، پرندگان آن لشکر را با سنگ‌های کوچکی از سجیل (گل‌های متحجر) هدف قرار می‌دهند. فعل «ترمیمهم ب...» به معنای هدف قرار دادن است. این فعل حال است برای «طیراً» و به صیغه مضارع آمده تا مخاطب آن را بسان حادثه‌ای تصور کند که گویی اکنون در حال وقوع است (ابن عاشور، بی‌تا، ۳۰/۴۸۳). واژه «سجیل» کلمه معربی به معنای سنگ‌هایی کلوخین است (فراهیدی ۱۴۱۰، ۶/۵۴). این کلمه سه بار در قرآن آمده است و در هر سه بار برای نزول عذاب بوده است (هود/۸۲؛ حجر/۷۴؛ فیل/۴).

در تصویر مفردی که این آیه ترسیم می‌کند همانند آیه قبل، برای تصویر آفرینی از اسلوب کارکرد کلمات و گزینش واژگان استفاده شده است (نک: عباسی، ۱۳۹۳؛ ۱۳۷-۱۴۹).

در هم‌بافت بعدی از این تصویر سیاقی، نتیجه سنگ‌باران ترسیم می‌شود: «فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّاكُولٍ»

کلمه «عصف» به معنای برگ زراعت و کاه است (طریحی، ۱۳۷۵، ش، ۵/ ۱۰۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۴۷/۹)؛ و عصف مأکول به معنای برگ زراعتی - مثلاً گندم - است که دانه‌هایش را خورده باشند و پوست آن را باقی گذاشته باشند (بیضاوی، ۱۴۱۸؛ ۵/ ۳۴۰).

برای تصویر آفرینی، در تصویر مفردی که این آیه ترسیم می‌کند، از اسلوب تشبیه استفاده شده است. تشبیه یکی از مهم‌ترین اسلوب‌های بلاغی در ساخت تصاویر است، استفاده شده است (نک: عباسی، ۱۳۹۳؛ ۱۱۰-۱۲۱).

وجه اشتراک میان هم‌بافت‌ها در این تصویر سیاقی کلان که از ۳ تصویر مفرد، تشکیل شده است ضمیر «هم» است که همگی به اصحاب فیل برمی‌گردد و بدین ترتیب یک تصویر سیاقی با زوایای مختلف اصحاب فیل را به تصویر می‌کشد.

نمونه‌ای دیگر از چند آیه متوالی که تصویر سیاقی پیشرفته را می‌سازند آیات ۴۹-۵۱ سوره مدثر است؛ قرآن در یکی از صحنه‌های بدیع خود، برای ترسیم حالت وحشت و رویگردانی کفار از شنیدن سخن حق و هرگونه اندرز و نصیحت، تابلوی فرار خیل عظیم گورخران از مقابل شیر را در آیاتی پیاپی و در تصویری سیاقی به تصویر می‌کشد: «فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ * كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ * فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ» این آیات دارای ۳ همبافت است:

۱. هم‌بافت اول آیه «فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ» است. این جمله تفریعی است بر تذکره و اندرزی که در آیات پیشین ذکر شده و استفهام در این جمله برای برانگیختن تعجب است و کلمه «لهم» متعلق است به کلمه «کان» ای که حذف شده و تقدیر کلام «فما کان لهم» است؛ و کلمه «معرضین» حال است از ضمیر «هم» و جمله «عن التذکره» متعلق به کلمه «معرضین» است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹۸/۲۰).

۲. هم‌بافت دوم، آیه «كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ» است. واژه «حُمُرٌ» به معنای خر است که به قرینه «مستنفره» خرائی وحشی و رمنده مورد نظر است. کلمه «مستنفره» به معنای رمیده است (طریحی، ۱۳۷۵، ش، ۳/ ۴۹۹). تصویر فرار گورخران رمنده و ترسات تصویری است که عرب با آن آشنایی کامل دارد (قطب، ۱۴۱۲، ۶/ ۳۷۶۲).

این تصویر مفرد با بهره‌گیری از اسلوب تشبیه (تشبیه معقول به محسوس) ساخته شده است (بن عاشور، بی تا ۳۰۶/۲۹). کاربست تشبیه در این آیه از آن جهت دارای اهمیت است که کافران به خاطر اعراض و روی گردانی از حق به گورخرانی تشبیه شده‌اند که در حال فراراند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۵/ ۲۶۳).

۳. هم‌بافت سوم، آیه «فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ» است. در این آیه تصویر گورخرانی ترسیم می‌شود که در حال فرار هستند و گویی از مقابل شیری رمیده‌اند. واژه «قسوره» به معنای به معنای شیر و یا شکارچی است و در هر دو معنا بکار رفته است (طریحی ۱۳۷۵ ش، ۴۵۷/۳).

وجه اتصال میان دو هم‌بافت اخیر فعلی است از ماده (ن ف ر) که در «مستفرة» و نیز در «فَرَّتْ» تکرار شده است. از این ریشه در قرآن ۱۸ کلمه به‌کاررفته است اما واژه «مستفرة» فقط یک‌بار به‌کاررفته است. در این تصویر سیاقی صرف تشبیه کفار به گورخرانی که فاقد شعور هستند کفایت نمی‌کند، این تصویر زمانی کامل‌تر می‌شود که تصویر بعدی نیز به آن افزوده گردد. در تصویر بعدی که مکمل تصویر مفرد قبلی است شیری درنده ترسیم‌شده است که به دنبال گورخران نموده و درصدد پاره‌پاره کردن آن‌هاست و بدین ترتیب عمق وحشت کفار از شنیدن سخن حق را مقابل دیدگان خواننده قرار داده است. این رساترین تصویری است که می‌تواند حالت کفار در برابر دعوت حق را نشان دهد (حسینی، ۱۳۸۷، اسالیب البیان / ۳۶۵).

نمونه دیگری از آیات متوالی که تصویر سیاقی پیشرفته را می‌سازند آیات سوره واقعه است. در آیات سوره واقعه با یک تصویر سیاقی پیشرفته مواجه هستیم. بخشی از آیات این سوره، آیاتی متوالی هستند که تصویری برساخته تولید می‌کنند و درعین حال این تصاویر در کنار هم تصویری بزرگ‌تر و پیچیده‌تر را می‌سازند. در آیات سوره واقعه ۴ تصویر برساخته متفاوت وجود دارد که این ۴ تصویر در کنار هم یک تصویر برساخته مرکزی را می‌سازند. در این سوره بعد از طرح مقدمات و ذکر احوالات حادثه بزرگ قیامت، مردمان به ۳ گروه مجزا تقسیم می‌شوند که هر گروه دارای تصویر سیاقی مخصوص به خود است. تصویر سیاقی اول در آیات ۱۰ تا ۲۶ شکل می‌گیرد و سرانجام مقربین را ترسیم می‌کند. تصویر سیاقی دوم در آیات ۲۷ تا ۴۰ ساخته می‌شود و سرانجام اصحاب یمین را به تصویر می‌کشد؛ این مجموعه از آیات در کنار آیات ۳۹ تا ۴۷ سوره مدثر تصویر سیاقی مجزایی را مقابل دیدگان خواننده قرار می‌دهد. تصویر سیاقی سوم در آیات ۴۱ تا ۵۶ ساخته می‌شود و سرانجام اصحاب شمال را ترسیم می‌کند.

پرداختن به همه نمونه بحثی مستوفی می‌طلبد (رک: زمر/۷۱-۷۴؛ بقره ۶۰-۶۱، یس/۸-۹؛ احزاب ۱۰-۱۱؛ صافات ۴۰-۶۰؛ نحل ۱۱۲-۱۱۳؛ مرسلات ۲۹-۳۲؛ ابراهیم ۴۹-۵۰ و ...).

۳.۱.۳ تصاویر سیاقی بر ساخته در چند آیه غیر متوالی

بررسی موضوعی آیات قرآن یکی از شیوه‌های مطالعاتی جدید به حساب می‌آید. حضرت آیه الله مکارم در این خصوص می‌فرمایند: «آیات مختلفی درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن مجید در حوادث و فرصت‌های مختلف وجود دارد؛ جمع‌آوری و جمع‌بندی این آیات و بررسی مجموع آن‌ها در کنار هم باعث می‌شود که نظر قرآن در مورد یک موضوع روشن شود.» (ر. ک: مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۱/۹؛ سبحانی، ج ۱/۱۱ و نیز رک: مسلم، ۱۴۳۱، ۸/۱) در مورد تصاویر سیاقی قرآن در آیات غیر متوالی نیز وضع چنین است. در این گونه از تصاویر سیاقی، آیاتی کنار هم قرار می‌گیرند که از موضوع واحدی پیروی می‌کنند و هم‌نشینی آن‌ها کنار هم تصویری بر ساخته و کلی را ترسیم می‌کند. ساخت تصاویر سیاقی در آیات غیر متوالی به شرط آن است که در همه‌ی هم‌بافت‌ها تصویر وجود داشته باشد و همچنین میان هم‌بافت وجه مشترکی به عنوان نقطه اتصال تصاویر به هم دیده شود.

برای نمونه یکی از تأثیرگذارترین تصاویر سیاقی در آیات غیر متوالی صحنه‌ای از هلاکت قوم عاد است. قوم عاد در سرزمین احقاف زندگی می‌کردند و به جهت ثروتی که از راه کشاورزی به دست می‌آوردند ملتی بسیار توانمند به حساب می‌آمدند. این قوم از نظر جسمانی مردمانی درشت‌استخوان و قوی پیکر بودند تا جایی که قرآن ایشان را همانند تنه‌های درخت خرما به تصویر می‌کشد (حاقه ۷/ و قمر ۲۰/). این قوم با وجود هیکل‌هایی درشت، خردهایی خرد داشتند؛ غرور ناشی از ثروت و قدرت گوش شنوا و چشم بینا را از آن‌ها گرفته بود و ایشان را در مقابل پیامبرشان جسور کرده بود؛ با لبریز شدن پیمان‌گناه و طغیانگری آن‌ها، دست انتقام خدا از آستین بیرون آمد و ایشان درگیر عذاب شدند. قرآن در آیاتی پراکنده در خصوص ویژگی‌های این عذاب سخن می‌گوید؛ بررسی این ویژگی‌ها در کنار هم تصویری بر ساخته و سیاقی را می‌آفریند.

در آیات ۱۸ تا ۲۰ سوره قمر، نخست دلیل نزول عذاب را مطرح کرده و در گام بعدی در مورد نوع عذاب سخن می‌گوید: «كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذُرِي ﴿۱۸﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ﴿۱۹﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ ﴿۲۰﴾» این آیات به عذاب می‌پردازد که قوم عاد بدان گرفتار شدند. ۲ تصویر مفرد هم‌بافت در این آیات دیده می‌شود: اول «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ» که در این آیات «یوم نحس مستمر» روزی است که در آن وزش باد میراننده پیوسته بوده و تا هلاکت همه قوم عاد

مداومت داشته است (کشاف ۴/ ۴۳۶)؛ و سپس «تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ» در این آیه که به‌عنوان یکی از تصاویر مفرد و یکی از هم‌بافت‌ها مطرح است از ادات تشبیه برای تصویر آفرینی استفاده‌شده و نشان می‌دهد که قوم عاد در اثر وزش تندباد همانند نخل‌هایی از جا کنده‌شده و بر زمین افتاده بودند (نیشابوری ۱۹۹۵ م، ۲/ ۷۸۱).

علاوه بر سوره قمر، در آیات ۴۱ و ۴۲ سوره ذاریات تند بادی به تصویر کشیده می‌شود که بر قوم عاد مسلط شده است: «وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ» آن بادی است که از آوردن فایده‌ای که در بادها مطلوب است، مانند حرکت دادن ابرها، تلقیح درختان، باد دادن خرمن‌ها، پرورش حیوانات و تصفیه هوا امتناع دارد و از آن عقیم است و چنین بادی تنها اثرش هلاک کردن مردم است (طباطبایی ۱۴۱۷، ۱۸/ ۳۸۰). و نتیجه این باد آن است که «مَا تَذُرُّ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ» جار و مجرور «من شئی» در عبارت «ماتذر من شئی» عام مخصوص است یعنی خداوند در هم کوبیدن و هلاکت همه‌چیز اعم مردم و سرزمین و درختان و ... را اراده کرده بود (آلوسی، ۱۴۱۵، ۸/ ۱۴).

به‌جز سوره قمر و ذاریات، در آیات ۶ تا ۸ سوره حاقه نیز به این رویداد پرداخته و در مورد مدت‌زمانی سخن می‌گوید که این باد می‌وزیده است: «وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرَ عَائِيَةً * سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ * فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ» تسخیر باد صرصر بر قوم عاد به معنای مسلط کردن آن بر آنان است و کلمه «حسوم» جمع حاسم است، هم‌چنان که کلمه شهود جمع شاهد است و حاسم از ماده حسم است، که به معنای داغ کردن مکرر چند بار پشت سر هم است (طباطبایی ۱۴۱۷، ۱۹/ ۳۹۳) و عبارت «نخل خاویة» به معنای نخلی است که افتاده است (عاملی، ۱۴۱۳، ۳/ ۳۵۸).

وجه اشتراک میان این تصاویر در آیات غیر متوالی که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد قوم عاد و تندباد است. از کنار هم قرار گرفتن این هم‌بافت‌های پراکنده، یک تصویر واحد از عذابی که بر قوم عاد نازل‌شده ترسیم می‌گردد؛ تصویر تندبادی که هفت شب و هشت روز پیوسته بر قوم عاد می‌وزیده و هرچه در مسیرش بوده است را از جا برمی‌کنده است! این بادبر هیچ‌چیزی نمی‌گذرد مگر اینکه آن را همچون استخوان پوسیده می‌سازد! مردمان تنومند و قوی پیکر قوم عاد در برابر این باد همچون تنه‌های پوسیده و توخالی درختان نخل بر زمین می‌افتند و هلاک می‌شوند.

یکی دیگر از نمونه‌های قابل توجه در تصاویر سیاقی غیر متوالی، تشریفات نزول وحی است. از بررسی تصاویر قرآنی مشخص می‌شود که نزول وحی با تشریفات خاصی همراه بوده است؛ قرآن در یک تصویر سیاقی و در آیاتی غیر متوالی این تصویر را ترسیم می‌کند: این تصویر سیاقی مرکزی و کلان از ۴ تصویر مفرد و مجزا تشکیل می‌شود:

۱. در تصویر مفرد اولیه زمان نزول وحی به صورت کلی مطرح می‌شود که در ماه رمضان است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره ۱۸۵)

۲. در تصویر مفرد بعدی زمان جزئی‌تر شده و به یکی از شب‌های رمضان منحصر می‌شود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» (دخان ۳/)

۳. در تصویر مفرد بعدی شب تعیین شده، نامدار می‌گردد و به عنوان شب قدر معرفی می‌شود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر/۱) و در ادامه، حوادث آن شب به تصویر کشیده می‌شود: «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (قدر/۴) در این آیه جبرائیل (طبرسی، بی تا جوامع الجامع، ۵۱۹/۴) به همراه عده‌ی زیادی از ملائکه (جنس ملائکه) (سیوطی، بی تا، ۱۳۳/۲) در شب قدر به زمین می‌آیند (زمخشری ۱۴۰۷، ۷۸۱/۴). به دیگر سخن این آیه تصویر فرود آمدن گروهی ملائکه به سرپرستی جبرائیل به سوی زمین را ترسیم می‌کند.

۴. در تصویر سیاقی بعدی که توسط آیاتی متوالی شکل گرفته است، ۳ دسته از ملائکه دیده می‌شوند که عهده‌دار تشریفات نزول وحی‌اند (طباطبایی ۱۴۱۷، ۱۱۹/۱۷): گروه اول فرشتگانی هستند که به صف ایستاده و نظاره‌گر نزول قرآن‌اند «وَالصَّافَّاتِ صَفًّا» (صافات ۱) گروه دوم فرشتگانی هستند که شیاطین را از اینکه در کار وحی مداخله کنند باز می‌دارند: «فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا» (صافات ۲) و گروه سوم فرشتگانی هستند که مشغول تلاوت آیات الهی هستند: «فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا» (صافات ۳)

وجه مشترک میان این ۴ تصویر مجزا که نقش محوری در برساخت تصویری سیاقی از تشریفات نزول وحی دارد، ملائکه هستند که برخی از آیات در مورد فروآمدنشان به زمین و برخی دیگر در مورد کارکردشان در نزول وحی می‌باشد. در این تصویر علاوه بر ملائکه به عنصر زمان نیز توجه شده است.

داستان زکریا و ولادت معجزه‌وار یحیی و ارتباط آن با داستان مریم و ولادت معجزه‌وار عیسی از جمله آیات سیاقی غیر متوالی به حساب می‌آید.

در مورد سایر نمونه‌ها می‌توان به داستان انبیاء الهی اشاره کرد. به‌عنوان مثال داستان حضرت موسی (ع) و تصاویر قرآنی از دوران حیات او در ۱۹ جای قرآن به‌صورت پراکنده آمده است که از کنار هم قرار گرفتن این بخش‌های جداگانه تصویری سیاقی و کلان ساخته می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا به‌عنوان پیش‌فرض بیان شد که قرآن برای بیان مطالب خود در بسیاری از موارد از شیوه تصویرآفرینی استفاده کرده و ساخت این تصاویر بر اسلوب‌های بلاغی و گاه بهره بردن از گزینش کلمات منحصر است. در نوشتار حاضر با پی‌جویی و بررسی نمونه‌های متعدد نشان داده شد که در قرآن علاوه بر تصاویر مفرد، تصاویر پیشرفته‌ی دیگری مبتنی بر روابط موجود میان آیات یافت می‌شوند که از آن‌ها با عنوان تصاویر سیاقی یاد می‌گردد. تصاویر سیاقی قرآن با سه رویکرد، تصاویر سیاقی در یک آیه؛ تصاویر سیاقی در آیات متوالی و تصاویر سیاقی در آیات غیر متوالی امکان ساخت و بالندگی دارند.

افزون بر این شایان ذکر است که با توجه به اهمیت بهره‌برداری هرچه بیشتر از مفاهیم قرآنی، دقت در تصاویر سیاقی و تصاویر رشد یافته بر درک بهتر حقایق دینی تأثیرگذار است؛ به دیگر سخن هرچه میزان توضیح و تبیین این تصاویر بیشتر باشد به فهم و درک حقیقت آیات کمک بیشتری می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. این کتاب تالیف مولف مقاله است.
۲. جهت آشنایی بیشتر از شیوه متنوع تصویرآفرینی از جمله تصویرآفرینی با استفاده از کلماتو ترکیبات و نیز تصویرآفرینی با استفاده از صنایع بلاغی (نک: عباسی، ۱۳۰؛ کاتب بلخی ۴-۵۰؛ الحسینی ۶۶۰؛ خمس خواه: ۴۶)
۳. عام مخصوص لفظی است فراگیر همه افراد اما به‌وسیله امر دیگر که آن را «مخصّص» می‌نامند برخی از افراد آن جدا شده و مشمول حکمی نشده که به لفظ عام نسبت داده شده است و آیه مخصّص ممکن است متصل و چسبیده به آیه عام باشد (رک: سیوطی، ۱۴۲۱، ۶۳۳/۱؛ حنفاوی، ۱۴۲۲، ص ۷۱۰؛ قطان، ۱۴۲۱، ص ۲۲۵)

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن ذریل، عدنان، ۱۹۸۱ م، اللغة و الدلالة، منشورات اتحاد الكتاب العرب، دمشق
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، التحرير و التنوير، بی جا
- ابن كثير، اسماعيل بن عمرو، ۱۴۱۹، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)، دارالکتب العلمیة منشورات محمدعلی بیضون، بیروت
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ ۱۴۱۴، لسان العرب، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع؛ بیروت
- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، دارالکتب العلمیة، بیروت
- احمدالراغب، عبدالسلام، ۱۴۲۲، وظیفه الصورة الفنیة، نشر فصلت، حلب
- احمدیان؛ عبد الله؛ ۱۳۸۲؛ قرآن شناسی؛ احسان؛ تهران
- اندلسی، ابوحيان محمد بن يوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحيط فی التفسیر، دارالفکر، بیروت
- ایازی، محمدعلی، ۱۳۸۰؛ فقه پژوهی قرآنی، صفحہ: ۴۶۳، بوستان کتاب قم؛ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن؛ دارالکتب العلمیة، بیروت
- با طاهر، بن عیسی، ۱۴۲۰، المقابلة فی القرآن؛ دار عماد، عمان
- بحرانی، سید هاشم؛ ۱۴۶۱، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران
- البعلبکی، رمزی منیر، ۱۹۹۰ م، معجم المصطلحات اللغویة، دارالعالم للملایین، بیروت
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸، انوار التنزیل و اسرار التاویل، داراحیاء التراث العربی، بیروت
- الحسینی؛ محمدرضا؛ ۱۹۸۸؛ کیف نفهم القرآن؛ دارالفر دوس، بیروت
- حسینی، جعفر، ۱۳۸۶، اسالیب المعانی فی القرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم
- حسینی، جعفر، ۱۳۸۷، اسالیب البیان فی القرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم
- حفناوی؛ محمد ابراهیم؛ ۱۴۲۲؛ دراسات اصولیة فی القرآن الکریم؛ مکتبه و مطبعة الأشعاع الفنیة؛ مصر
- الخولی، محمدعلی، ۱۹۹۱ م، معجم علم اللغة النظری، مکتبه لبنان، بیروت
- دعاس، حمیدان؛ قاسم؛ ۱۴۲۵؛ اعراب القرآن الکریم؛ دارالمنیر و دارالفارابی؛ دمشق
- دیب البغا، مصطفی و مستو، محی الدین، ۱۴۱۸، الواضع فی علوم القرآن، دارالعلون الانسانیة، دمشق
- رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین؛ ۱۴۲۰، مفاتیح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷ ه.ش، منطق تفسیر قرآن (۱)، جامعه المصطفی العالمیة، قم
- زرکشی، محمد بن عبدالله؛ ۱۹۷۱ م؛ البرهان فی علوم القرآن، دارالکتب العلمیة، بیروت
- زمخشری، محمود، ۱۴۰۷، الکشاف عن حقائق الغوامض التنزیل؛ دارالکتب العربیة، بیروت

- سیوطی، عبدالرحمن اب بکر، بی تا معترك الاقران، دارالفکر العربی، بیروت
- الشافعی، محمد بن ادريس، بی تا، الرسالة، مکتبه العلمیه، بیروت
- شعیری، حمیدرضا، ۱۳۹۳، تحلیل نشانه معناشناختی تصویر، نشر علم، تهران
- صدر محمدباقر، ۱۳۷۹، المعالم الجدیده للاصول، کنگره شهید صدر، قم
- صدر؛ محمدباقر؛ ۱۴۰۵؛ دروس فی علم الاصول؛ دارالمتنظر؛ بیروت
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان لعلوم القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران
- _____ بی تا، جوامع الجامع، النشر الاسلامی، قم
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرین، کتاب فروشی مرتضوی، تهران
- طنطاوی، سید محمد، بی تا، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا
- عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳، الوجیز فی تفسیر القرآن؛ دار القرآن الکریم، قم
- عباسی، آزاده، ۱۳۹۳، زبان تصویر آفرینی یکی از رموز جاودانگی قرآن، نشر تعارف، تهران
- عبدالعال، محمدقطب، ۱۴۱۰، من جمالیات التصوير فی القرآن الکریم، العالم الاسلامی، مکه
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، کتاب العین، انتشارات هجرت، قم
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹، تفسیر من وحی القرآن، دارالملاک للطباعه و النشر، بیروت
- قطان، مناع؛ ۱۴۲۱؛ مباحث فی علوم القرآن؛ موسسه الرساله؛ بیروت
- قطب، سید، ۱۴۱۵، التصوير الفنی فی القرآن، دارالشروق، بیروت
- _____، ۱۴۱۲، فی ظلال القرآن؛ دارالشروق، بیروت
- _____، ۲۰۰۷، مشاهد القیامه، دارالشروق، بیروت
- کوثر، عباس، ۱۳۹۲، نقش سیاق در تفسیر قرآن و فقه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران
- مختاری، رمضان علی، ۱۳۷۷، پایان نامه «تاثیر آگاهی از عوامل انسجامی درون متن در درک مطلب خواندن»، دانشگاه علامه طباطبایی
- مسلم، مصطفی، ۱۴۳۱، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، جامعه الشارقه، شارجه
- مصطفوی، حسن؛ بی تا، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
- معمر بن مثنی، ابو عبیده، ۱۳۸۱ ق، مجاز القرآن، مکتبه الخانجی، قاهره
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، الکاشف، دارالکتب الاسلامیه، تهران
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ ۱۳۸۱؛ پیام قرآن؛ دارالکتب الاسلامیه؛ تهران
- نجمی، محمدصادق؛ ۱۳۸۷؛ قرآن شناخت؛ سازمان اوقاف و امور خیریه - اسوه؛ تهران

نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد، ۱۴۲۱، اعراب القرآن (نحاس)، دارالکتب العلمیة منشورات محمدعلی بیضون، بیروت

نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، ۱۹۹۵ م، ایجاز البیان عن معان القرآن، دارالغرب الاسلامی، بیروت
الهیان، الهه، ۱۳۹۱، مقاله «بررسی اهمیت بافت در پژوهش‌های ادبی» مجله پژوهش‌های ادبی، ش ۳۶ و ۳۷

یاسوف، احمد، ۱۴۲۷، دراسات فنیة فی القرآن الکریم، دارالمکتبی، دمشق

